

در میزگردی با حضور «محمد صالح مصلحیان»، «مجید میرزاووزی» و «حامد نجفی» بررسی شد:

حسن و عیب انتشار دیجیتال متون علمی و ادبی در وب

گروه علم:

به تازگی نشستی در دانشگاه فردوسی مشهد با حضور دکتر «محمد صالح مصلحیان» محقق مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات ایتالیا، دکتر «مجید میرزاووزیری» نویسنده و استاد دانشگاه فردوسی مشهد و دکتر «حامد نجفی» از پژوهشکده ریاضیات پژوهشگاه دانش‌های بنیادی تهران در مورد انتشارات الکترونیکی برگزار شد. آنچه در ادامه می‌خوانید، خلاصه‌ای از مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده در این نشست است.

*** در چند سال اخیر، انتشار دیجیتال متون تاثیرهای زیادی برجای گذاشته است، چرا که هم در کمیت این انتشارها نقش داشته و هم نوع و شیوه تعامل و ارتباط نویسنده و خواننده را متحول کرده است. ارزیابی‌های شما از پیامدهای این تغییرها چیست؟**

نجفی: به نظر می‌رسد همچنان که صنعت چاپ، نسخه‌نویسی دستی را حدود ۵۰۰ سال قبل منسوخ کرد، صنعت فناوری اطلاعات نیز صنعت چاپ را دیر یا زود از میدان خارج سازد.

مصلحیان: به عقیده من نشر چاپی (کاغذی) و نشر الکترونیکی دو صورت متفاوت انتشارات هستند. بسیاری از مردم ترجیح می‌دهند مجلات، روزنامه‌ها و کتابهای خود را از روی گوشی همراه یا تبلت خود بخوانند. بسیاری نیز همچنان مجلات و کتابهای کاغذی را ترجیح می‌دهند. حتی عده‌ای بوی کتابهای نو را با هیچ وسیله کامپیوتری عوض نمی‌کنند.

میرزاووزیری: رشد فناوری باعث شده ذائقه مردم نیز با شتاب بیشتری تغییر کند. اکنون تغییر علائق نسلها همانند تغییر نسل ابزارهای الکترونیکی است، زیرا برخلاف دوره‌های قبلی که دست بشر فناوری‌های جدید را می‌ساخت، امروزه این فناوری است که فناوری‌های نو را می‌سازد.

*** واقعا فایده نشر الکترونیکی چیست؟ نشر الکترونیکی چه مزیت‌هایی دارد که نشر سنتی روی کاغذ ندارد؟**

مصلحیان: برای متون علمی، فایده آن دسترسی سریع و راحت به محتوا، امکان جستجوی واژگان و امکان انجام سریع‌تر چند کار در کنار مطالعه (مانند پاسخ به یک پیام کوتاه یا یک تماس تلفنی) است.

میرزاووزیری: بدیهی است که برای جستجو در یک دایره‌المعارف، استفاده از نوع الکترونیکی آن بسیار آسان‌تر است، اما ممکن است برای یک کتاب داستان، این ویژگی ضروری نباشد. به نظر می‌رسد هنوز هم دراز کشیدن، کتاب به دست گرفتن، مطالعه قصه‌ای از قصه‌های هزار و یک شب و فرو رفتن در عمق واژه‌های یک کتاب کاغذی، لذت خاص خود را داشته باشد. حتی صنعت سینما نیز نتوانسته است این لذت را در طی سالیان متمادی کم‌رنگ سازد.

*** در این که انتشار دیجیتال، خواندن کتابها را برای برخی دوستداران کتاب آسان‌تر کرده است، شکی نیست اما این پرسش مطرح می‌شود که فناوری، چه تاثیری بر فرآیند تالیف و انتشار کتاب داشته است؟**

مصلحیان: البته باید اذعان کرد که نشر الکترونیکی تولید محتوا و آماده‌سازی آن را برای مولفان ساده کرده است. نقش فیلم و زینک و نسخه‌های پیش‌چاپ از بین رفته است و خود نویسندگان می‌توانند به سادگی و به سرعت، به اصلاح چندباره فایل نهایی مقاله یا کتاب خود

بپردازند. این نوع نشر برای پژوهشگرانی که باید منابع متعددی را واری، بخش‌هایی از آن را ذخیره و درنهایت تصاویر یا جدول‌هایی را آماده و به متن گزارش پژوهشی یا مقاله خود اضافه کنند، دارای ارزشی چندبرابر است.

نُجفی: باید اضافه کرد که حتی کتاب‌های الکترونیکی ابزارهایی دارند که به کاربران خود امکان علامت‌گذاری نکات مهم یا جالب و حاشیه‌نویسی متن را به‌طور اختصاصی می‌دهد. این امکانات معضل آسیب رسیدن به کتاب‌های چاپی ناشی از حاشیه‌نویسی یا علامت‌گذاری‌های خوانندگان را منسوخ کرده است.

میرزاویری: اجازه دهید به هزاره‌های قبلی برگردیم، هنگامی که صنعت چاپ وجود نداشت و انسان می‌بایست جملات قصار را روی سنگ یا پوست حیوانات حک می‌کرد. در آن وضعیت، امکان جرح و تعدیل هر روزه برای نویسنده وجود نداشت و ضمناً قرار بود جمله‌ای هزاران سال بر کتیبه‌ای باقی بماند. شاید در آن روزگار نویسنده بیشتر خود را مقید می‌دانست که به آنچه می‌گوید و می‌نویسد، بیندیشد. امروزه کتابی نوشته و در اینترنت منتشر می‌شود و ممکن است مدتی بعد تکذیبیه‌ای بر همان نوشته از همان نویسنده در باب نکات نادیده گرفته‌شده در نسخه قبلی، انتشار یابد.

مصلحیان: گرچه شما درست می‌گویید، ولی هنوز معتقدم نشر الکترونیکی فواید معتناهی نسبت به نشر کاغذی دارد. برای مثال مساله تهیه یک مقاله یا نسخه‌ای از یک کتاب از طریق پست از کتابخانه‌های شهرها یا کشورهای دیگر، اساساً متحول شده است. اکنون به کمک اینترنت می‌توان تصویری از صفحات مورد نظر یا فایل پی‌دی‌اف کل کتاب یا مقاله را در مدت کوتاهی (گاهی چند ثانیه) تهیه و روی موبایل یا تبلت خود، همچون کتاب کاغذی مطالعه کرد.

*** یعنی به نظر شما، اساساً شکل اشتراك و تبادل منابع اطلاعاتی تغییر کرده است؟**

میرزاویری: در نوشته‌های یونان باستان آمده است که وقتی در جنگ‌ها می‌خواستند پیامی را برای هم‌زمان خود ارسال کنند، سرسربازی را می‌تراشیدند، متن نامه را روی سر وی خالکوبی می‌کردند، چند ماه صبر می‌کردند تا موهایش بلند شود، او را روانه اردوگاه هم‌زمانش می‌کردند، سرش را می‌تراشیدند و متن نامه را می‌خواندند. بدیهی‌ست که ارسال یک نامه الکترونیکی در کسری از ثانیه بسیار آسان‌تر از آن روش باستانی است.

*** پرسش مهم دیگر این است که حجم زیاد نامه‌نگاری‌های الکترونیکی رد و بدل شده بین دو نفر، تا چه حد بر تحکیم روابط عاطفی و انسانی آنها موثر بوده است؟**

نُجفی: به نظر من وایر، فیسبوک، اسکایپ و غیره به تحکیم روابط انسانی کمک کرده است. من معتقدم روابط انسانی با آمدن فناوری توسعه یافته است، مثل رابطه مولف-ناشر-خواننده.

مصلحیان: دقیقاً، به‌خصوص آنجا که بحث هزینه‌ها مطرح است. انتشار الکترونیکی از نظر هزینه‌ها، به‌طور قابل توجهی ارزان‌تر از چاپ کاغذی است، هزینه‌ها و مشکلات نگهداری آنها نیز به مراتب کمتر است. نیروی انسانی کمتری نیز برای انتشار آنها نیاز است و بنابراین هزینه‌ها به مراتب کاهش یافته است و این روی سه گانه مولف-ناشر-خواننده تاثیر مثبت داشته است.

نُجفی: ضمناً می‌توان بدون پرداخت هزینه، اطلاعات چندرسانه‌ای (مانند صدا، تصویر رنگی و فیلم) را نیز به متن کتاب افزود.

میرزاویری: من هم در کارهای جدیدم از این امکان بهره برده‌ام. نسل جدید دوست دارد که این زرق و برق‌ها را در کنار نوشته‌ای که می‌خواند، ببیند.

*** این به قول شما زرق و برقها، در کنار همه نقشهای خوب و مثبت، تاثیر ناخواسته و نامطلوبی هم داشته است؟**

میرزاویری: من به تجربه دریافته‌ام که استفاده از این وسایل همانقدر که انتقال علم را سریع ساخته، از یاد بردن آن را نیز سرعت بخشیده است. من هنوز کلاسهای درس دوره کارشناسی‌ام را با جزئیات کامل به خاطر دارم. حتی افتادن گچ از دست استاد، برداشتن آن از روی زمین و شنیدن نکته‌ای علمی در آن لحظه، کاملاً در ذهنم حک شده و در خاطرم مانده است. شاید این اتفاقات غیرمجازی در کنار درس باعث شده که درسهای آن روز را هیچ‌گاه فراموش نکنم. اما امروزه وقتی در یک کنفرانس علمی شرکت می‌کنم، سخنران در اتاقی تاریک، پشت به حضار نوشته‌هایی را با سرعت بر روی پرده عبور می‌دهد و اطلاعات چندرسانه‌ای مطلوبی را که در کنارش آورده نشان می‌دهد، و من به سادگی و به سرعت یاد می‌گیرم و به همان سرعت هم از یاد می‌برم.

مصلحیان: من قدری با نظر آقای میرزاویری مخالفم. چند سالی است که من در تدریس در دانشگاه فردوسی مشهد، از یک قلم و تابلت خاص که به ویدئو پروژکتور متصل است، استفاده می‌کنم. این ابزار به تایید دانشجویان، بسیار بهتر از روش سنتی گچ و تخته سیاه است زیرا علاوه بر امکان نوشتن با قلم‌های رنگی و اضافه کردن تصاویر به متن، می‌توان در پایان کلاس، مطالب تدریس‌شده را به فایل پیدی‌اف تبدیل کرد، دانشجویان هم با فلش‌موری خود، جزوه آن را دریافت می‌کنند. آنها دیگر به جزوه‌نویسی سر کلاس نیاز ندارند، در نگارش جزوه اشتباه نمی‌کنند و ضمناً می‌توانند شش‌دانگ حواسشان را روی درس متمرکز کنند و مهم‌تر از همه این که در مباحث درسی شرکت کنند. این یک فناوری پیشرفته در آموزش محسوب می‌شود. قریب ۱۰ سال پیش شاهد بودم که انگلیسی‌ها در کودکانها و دبستان‌هایشان از تخته هوشمند استفاده می‌کردند.

نجفی: حتی این گونه فناوری‌ها، قالب‌بندی متون و شکل آن را تغییر می‌دهد که امکانات جالبی را به همراه دارد. از جمله این امکانات می‌توان به تغییر فونت و رنگ در کتابها اشاره کرد. این امکانات به افرادی که دچار مشکلات بینایی هستند، فرصت و امکان استفاده راحت‌تر از کتابها را داده است و دیگر نیازی نیست که ناشران کتابهای اختصاصی با فونت درشت و بزرگتر را برای این دسته از مخاطبان خود چاپ کنند.

میرزاویری: کتابهای صوتی هم آمده است که دیگر نیاز به بلندخوانی کتاب توسط فردی بینا برای یک نابینا را از بین برده است. بی‌تردید افرادی که نقصی در این زمینه‌ها دارند، باید قدردان فناوری باشند.

نجفی: به علاوه، چاپ الکترونیکی بسیار سریع‌تر از چاپ کاغذی انجام می‌شود. سرعت پخش آن نیز سریع‌تر است. دامنه جغرافیایی و حتی اجتماعی وسیع‌تری از مخاطبان را فرا می‌گیرد. در یک کلام می‌توان گفت که مرزهای زمان و مکان را درنوردیده است.

میرزاویری: البته اگر بتوانیم مرزی را برای زمان و مکان متصور شویم. حافظ هنوز هم وجود دارد و در ذهن من و شماست. ۱۰۰ سال تنهایی «گابریل گارسیا مارکز» فرسنگها از مکان نویسنده‌اش سفر کرده و بر دل ما نشسته است. از نوشته‌های ریز و درشتی که امروزه منتشر می‌شود کدام را در خاطر دارید؟

مصلحیان: خیلی کم و اهمیت هم ندارد. من فکر می‌کنم باید آموزش مبتنی بر شیوه استفاده از منابع علمی را جانشین آموزشهای مبتنی بر حفظ حجم وسیعی از اطلاعات کرد که نه به درد دنیا می‌خورد و نه به درد آخرت. دوران دایره‌المعارف بودن انسان گذشته است و اکنون دانش‌آموزان باید یاد بگیرند چطور اطلاعات مورد نیاز خودشان را از اینترنت و پایگاه‌های اطلاعاتی جست‌وجو کنند.

*** پس در این وضعیت دیگر نگران این نیستیم که کتابی در دسترس ما نیست یا ممکن است نایاب شود.**

نجفی: در تایید این موضوع باید بگویم که چاپ الکترونیکی انعطافپذیر است و امکان روزآمدسازی را در هر زمانی فراهم می‌کند. بدین ترتیب ویرایش‌های جدید کتابها سریع‌تر، راحت‌تر و ارزان‌تر انجام می‌شوند. حتی شمارگان و پدیده نایاب شدن کتب نیز دیگر منسوخ شده است.

میرزاویری: نایاب شدن کتابها، آنها را برای خوانندگان گوه‌ر می‌ساخت. هم‌اکنون من در تبلتم انبوهی از کتاب‌هایی را دارم که مدت‌هاست با خود گرفته‌ام باید در سفر بعدی که در قطار یا هواپیما نشسته‌ام، فرصتی پیدا کنم تا یکی از آنها را بخوانم.

مصلحیان: آری، ولی داشتن یک کتابخانه قابل حمل یک مزیت است و این قابلیت به ما امکان می‌دهد که هر موقع به خواندن چیزی احساس نیاز کردیم، آن را بخوانیم. حتی اجازه دهید جلوتر روم و بگویم مساله تأسیس کتابخانه‌های شهری و دانشگاهی و معضل نگهداری و حفظ کتابها و مجلات چاپی در یک فضای فیزیکی گسترده، توسط انتشارات الکترونیکی به سادگی حل شده است. اینک شهرداری‌ها می‌توانند نگاه خود به کتابخانه را عوض کرده و به کتابخانه‌های بدون قفسه و بدون دیوار فکر کنند.

میرزاویری: و به آدم‌هایی فکر کنند که در کنار سر خود پورت یواس‌بی دارند و برای مطالعه کتابی به کتابخانه الکترونیکی بی‌در و پیکری مراجعه می‌کنند تا فلش کتاب جدیدی را به خود متصل کنند و از مطالعه کتاب‌های داخل آن مشعوف شوند. البته این سخن من جنبه طنز دارد ولی با گفته شما کاملاً موافقم که با فناوری‌های جدید همه چیز راحت‌تر شده است.

مصلحیان: و در کنار همه اینها، نویسندگان می‌توانند از چارچوب سانسور یا اعمال قدرت نظام حکومتی خارج و حتی بدون نیاز مادی به دولت، مستقیماً به انتشار افکار خود در قالب مقاله یا کتاب روی وب جهانی بپردازند.

میرزاویری: و البته در میان این اقیانوس عظیم نوشته‌ها، باید خلاقیتی بیشتر به کار خود بدهند تا دیده شوند.

*** همه آنچه تاکنون مطرح شد، کم‌وبیش محاسن و مزیت‌های انتشارات الکترونیکی را شرح داد، اما به نظر شما این شیوه انتشار چه معایبی ممکن است داشته باشد؟**

مصلحیان: یکی از نقص‌های این است که اعتبار استنادهایی که به منابع علمی در وب می‌شود، چندان مشخص نیست زیرا هر فردی می‌تواند به تولید و اشاعه اطلاعات بپردازد.

میرزاویری: دیگر این که ماندگاری مطالب در وب نامشخص است همچنان که بسیاری از مطالبی که چند سال پیش در اینترنت قابل مشاهده بود، دیگر در دسترس نیست.

نجفی: و این که حقوق پدیدآورندگان به سختی حفظ می‌شود، زیرا به سادگی می‌توان کتابی را در وب یافت و آن را رایگان برای استفاده شخصی روی رایانه خود ذخیره کرد. حق ناشر نیز همیشه ممکن است به خطر بیافتد و به نظر نمی‌رسد که با قوانین موجود جهانی بتوان برای آن چاره‌ای اندیشید. در واقع نه‌تنها قوانین داخلی برخی کشورها با مساله عدم رعایت حقوق مولف و ناشر مخالفتی ندارد، بلکه برخی موسسات دولتی برای به اشتراک‌گذاری اطلاعات اجازه رسمی نیز به افراد می‌دهند! نکته آخر هم این که قرض دادن کتاب نیز تحت‌تأثیر قرار گرفته است زیرا عملاً نمی‌توان تبلت را به کسی بدهی تا آن را بخواند.

مصلحیان: در عین حال فکر می‌کنم متخصصان نشر این مشکلات را با روش‌های موثری در آینده حل کنند. فقط باید به این فکر کنیم که چگونه می‌توان جلوی نفوذ اندیشه‌های افراط‌گرایانه‌ای همچون بوکو حرام که خواندن کتاب‌های غیردینی را حرام می‌دانند و با زور و ارعاب در برابر تعقل می‌ایستند را بگیریم.